

یادداشت

دلایل انفعال منتقدان



کوروش الماسی

محقق و پژوهشگر

اینکه چرا، شهر و ندان دچار انواع دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، کاستی‌ها و... هستند، با توجه به بر خی ناکارآمدی‌ها امری قابل فهم است. اما اینکه چرا برای این مسائل چاره‌اندیشی اساسی صورت نگرفته خود محل تامل و سوال است. لذا حتی منتقدان دولت نیز هنوز نتوانسته‌اند رویکرد درست و موثری از خود بروز بدهند که بر پایه آن بتوان بر ناکارآمدی‌ها فائق آمد و شرایط را به سمت وضع مطلوب پیش برد. لذا برپیراه نیست اگر سردرگمی منتقدان و مخالفان در ارائه رویکرد و راهکار را همان گره کور عرصه سیاسی تلقی کنیم. به عبارتی، سردرگمی ناشی از بن‌بست تحلیل، محافظه‌کاری نه تنها اصلی‌ترین مانع برون رفت از مخمصه برخی ناکارآمدی‌های اجرایی و حصول برخی تحولات اجتماعی، بلکه تداوم انواع و انبوه چالش‌ها می‌باشد. یقیناً تبیین ریشه‌های انفعال و ناکارآمدی منتقدان، نخستین و فعالان سیاسی فراتر از توان، مجال و فضای یک موزج است. بنابراین، این موزج اشاره‌ای بسیار کلی و مختصر به بنیادی‌ترین ریشه انفعال و ناکارآمدی منتقدان، برخی نخستین و فعالان سیاسی است. شاید بنیادی‌ترین ریشه سردرگمی آنها نداشتن برنامه و استراتژی مشخص برای عبور از حال فعلی و ارائه نسخه‌ای کارآمد برای حل مشکلات کشور باشد. به عبارتی منتقدان و مخالفان درک، تحلیل و تصویری واقع‌بینانه و کاربردی برای حل مشکلات کشور ندارند و آلترناتیو برنامه‌ای مشخص و درستی برای مدیریت اجرایی کشور ندارند. رویکرد جایگزین برآیند درک، تشخیص و تحلیل عینی، شرایط حال حاضر جامعه و نه گم شدن در تاریخ یا پیگیری و جستجوی آرمان‌های رویاگونه وارداتی می‌باشد. این عدم داشتن برنامه منسجم در کنار برخی محافظه‌کاری‌ها نه تنها منجر به عدم توانایی تصمیم‌گیری خواهد شد بلکه بستر انزوای خفنی شدن منتقدان را نیز فراهم خواهد آورد. به گواه شواهدی‌بی شمار نظری و تجربی، برخی ناکارآمدی‌ها در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی به ضرورت و بطور اجتناب‌ناپذیری، باید دستخوش تحولات اساسی شود. از طرفی اینکه بر اساس نظریه‌های گوناگون علوم سیاسی، روانشناختی، جامعه‌شناسی و تجربیات تاریخی و معاصر، تحولات در مدیریت کلان سیاسی به سه شکل یا روش به وقوع می‌پیوندد، با توجه به تاریخ چند هزار ساله جوامع، جایجایی قدرت اجرایی سیاسی یعنی دولت‌ها از طریق صندوق رای، محصول حکمرانی مبتنی بر قانون اساسی پدیدهای معاصر می‌باشد. چرا که پدیده تغییر قدرت اجرایی از طریق صندوق رای به عنوان یک مولفه از یک نظم مدیریت سیاسی (دمکراسی) یک پدیده وارداتی است. به عبارتی فعالیت علمی نتایج واسطه درک جهان پیرامون می‌باشد. امور، بلافاصله وقایع طبیعی؛ دلیل، توضیح و تبیینی زودبینی قابل درک دارند. البته نقد عملکرد نظم یا ساختاری که از طریق دگرگونی، مستقر شده است، غیر منطقی است. تحولات سیاسی و اجتماعی برآیند افعال هدفمند، برنامه‌محور و سازمانده‌ی شده هستند نه برآیند تحلیل، سخنرانی، و توصیه‌ها دلسوزانه، صادقانه و ایده‌آلیستی.

نگاه

داریوش قنبری:

احیای برجام توسعه روابط ایران با غرب را به دنبال دارد

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص احیای برجام و تاثیر آن بر توسعه روابط ایران و غرب اظهار داشت: بعد از کش وقوس‌های فراوان درباره برجام ظاهر احیای برجام مراحل نهایی خودشی می‌کند. سخنان اخیر آقای بولر نشان می‌دهد طرف غربی از پیشنهادات ایران راضی است. داریوش قنبری گفت: از لحن مقامات آمریکایی هم برمی‌آید که رضایت نسبی دارند و به نظر می‌رسد باید توافق را قطعی دانست اما اینکه توافق باعث روابط گسترده با غرب می‌شود یا خیر، تصور می‌کنم بعد از احیای برجام روابط ایران و کشورهای اروپایی رو به گسترش خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه اروپای غربی بحران تأمین سوخت دارد و می‌خواهد روابطش با ایران را گسترش دهد. وی افزود: قطعاً احیای برجام باعث توسعه روابط ایران و اروپا را به‌همراه دارد اما روابط ایران و آمریکا با احیای برجام برقرار می‌شود یا خیر؟ این سوال مهمی است. با توجه به پیشینه روابط ایران و آمریکا در دهه گذشته سخت است. در مجموع قطع رابطه میان ایران و آمریکا کار ک‌دهایی را دارد اما با توجه به اینکه خبرهایی می‌رسد که ایران و آمریکا بحث‌های مشترک دیگری دارند شاید توافق احیای برجام بتواند به انحای مختلف باعث گفت‌وگوهایی میان ایران و آمریکا شود. وی بیان کرد: بعد از امضای برجام برخی روابط اقتصادی میان ایران و آمریکا شروع شد مانند خرید هواپیمای بوئینگ حالا هم شاید احیای برجام بتواند همان مرادات اقتصادی را به‌همراه داشته باشد. همیشه منافع اقتصادی در تعیین سیاست خارجی تأثیر داشته است. احساس من این است که ایران ضمن اینکه می‌خواهد روابط خود با روسیه و چین تعمیق کند، می‌خواهد روابطی با کشورهای اروپایی در سطح خاصی داشته باشد که اگر برجام به نتیجه برسد این ظن تقویت می‌شود که ایران دنبال کاهش تنش‌هاست. عضو حزب مردم سالاری عنوان کرد: گذشته روابط ایران و غرب نشان داده است زمانی کشورها می‌توانند روابط خود را بهبود دهند که روابط اقتصادی و تجاری در بین باشد. قنبری تصریح کرد: من تصور می‌کنم مشکلات دولت آقای رئیسی در حوزه دیپلماسی بسیار کمتر از دولت آقای روحانی است. دولت آقای رئیسی زمینه بهتری برای برقراری ارتباط با دنیا را دارد.



هادی حق‌شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

پسابرجام و دوران تصمیم‌های سخت اقتصادی

استفاده از فرصت برجام از برجام مهم‌تر است

باید از فرصت پسابرجام برای اصلاحات ساختاری استفاده کنیم

برجام یک مسکن قوی برای اقتصاد ایران است

احیای برجام مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را حل نخواهد کرد

برجام باید برای مر تفع کردن چالش‌های ساختاری مورد استفاده قرار بگیرد

نتوانستیم از درآمدهای نفتی افسانه‌ای استفاده کنیم

هزینه تولید در کشور گران شده است

یکشنبه
۱۴۰۱/۰۶/۰۶سال پنجم
شماره ۱۳۵۶

armanmeli.ir

۳۰ مهر ۱۴۴۴ / ۲۸ آگوست ۲۰۲۲



«آرمان ملی»- احسان انصاری: پاسخ ایران و آمریکا به پیشنهاد اروپا برای احیای برجام مثبت ارزیابی می‌شود. به همین دلیل این امیدواری به وجود آمده که در کوتاه مدت گشایش‌های جدی در مذاکرات هسته‌ای رخ بدهد و در نهایت طرفین به توافق دست پیدا کنند. در چنین شرایطی افکار عمومی جامعه به دنبال پاسخ به این سوالات است که با احیای برجام چه اتفاقی در اقتصاد کشور رخ می‌دهد؟ آیا احیای برجام می‌تواند وضعیت اقتصاد کشور را تغییر و دغدغه‌های معیشتی مردم را کاهش بدهد؟ دولت برای دوران پس از احیای برجام چه رویکردی در پیش خواهد گرفت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر هادی حق‌شناس، اقتصاددان و نماینده سابق مجلس گفت‌وگو کرده است. حق‌شناس معتقد است: «برجام وجذب سرمایه‌های خارجی برای اقتصاد ایران تنها یک مسکن قوی است. با این وجود ما باید به زمانی فکر کنیم که آثار این مسکن قوی از بین رفته است. در چنین شرایطی آیا قرار است دوباره روز از نوروزی را نو باشد دوباره با چالش‌های گذشته مواجه باشیم؟ در چنین شرایطی دوباره مشکلات کشور آشکار خواهد شد و توافق خاصی در اقتصاد رخ نخواهد داد. ما باید از برجام به عنوان یک فرصت برای اصلاح ساختارهای مالی، پولی و بودجه‌ای استفاده کنیم.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

می‌شود. دلیل این موضوع این است که ساختار تولید در کشور دارای اشکال است. این وضعیت درباره ساختار بازار پول و بانک‌ها نیز وجود دارد و این ساختارها نیز دچار مشکل هستند. اگر فرض بگیریم در شرایط کنونی ما هیچ مشکلی با کشورهای دنیا نداشته باشیم و برجام نیز احیا شده باشد تا زمانی که سوء تدبیر و سوءمدیریت در کشور وجود دارد نمی‌توان نسبت به تغییر و بهبود شرایط اقتصادی امیدوار بود. برجام و جذب سرمایه‌های خارجی برای اقتصاد ایران تنها یک مسکن قوی است. با این وجود ما باید به زمانی فکر کنیم که آثار این مسکن قوی از بین رفته است. در چنین شرایطی آیا قرار است دوباره روز از نوروزی را نو باشد دوباره با مشکلات گذشته مواجه باشیم؟ در چنین شرایطی دوباره مشکلات آشکار خواهد شد و اتفاق خاصی در اقتصاد رخ نخواهد داد. ما باید از برجام به عنوان یک فرصت برای اصلاح ساختارهای مالی، پولی و بودجه‌ای استفاده کنیم. نمی‌توان در شرایطی که کشور با تورم دورقمی بلندمدت مواجه است به اهداف توسعه دست پیدا کرد.

در شرایط کنونی که دولت نیاز دارد سرمایه اجتماعی خود را افزایش بدهد و اصولگرایان نیز به دنبال افزایش اعتبار سیاسی خود در بین مردم هستند به چه میزان این احتمال وجود دارد که جنبه‌های سیاسی برجام از جنبه‌های اقتصادی آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد؟

احیای برجام یک فرصت کوتاه مدت برای دولت است. اگر کسی گمان کند با احیای برجام مشکلات ساختاری اقتصاد ایران حل خواهد شد هرگز چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. در برجام در کوتاه مدت باعث خواهد شد هزینه کالاهای وارداتی ما کاهش پیدا کند. حتی این احتمال نیز وجود دارد که احیای برجام تأثیر مثبت روی کاهش نرخ تورم در کوتاه مدت نیز داشته باشد. برجام می‌تواند مانند یک نسیم خنک برای اقتصاد ایران باشد اما این وضعیت کوتاه مدت خواهد بود و در بلندمدت نمی‌تواند چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران را مرتفع کند. شرط اینکه این فرصت کوتاه بتواند پیامدهای بلندمدت برای اقتصاد ایران داشته باشد این است که باید تصمیمات سخت در زمینه اصلاحات ساختاری گرفته شود. تا زمانی که اصلاحات ساختاری صورت نگیرد هر نوع گشایش بین‌المللی برای ما موقت خواهد بود. نمونه‌های بارز آن در بخش خودرو، فولاد و صنعتی قابل مشاهده است. حتی این مسائل در تولید آب و برق نیز موثر خواهد بود. هزینه تمام شده تولید کالا و خدمات در ایران گران است. این گران بودن نیز به دو دلیل است. نخست پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران است و دوم سیاست‌های نادرست پولی و مالی است. در کشورهای توسعه یافته واحدهای تولیدی با ظرفیت‌های محدودتر چندین برابر واحدهای ما تولید می‌کنند. دلیل این موضوع این است که بهره‌وری در این گونه کشورها بیشتر است و از سوی دیگر سیاست‌های پولی و مالی را به صورت صحیح اجرا می‌کنند. نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که میزان بهره‌وری هشت ساعت کار در یک اقتصاد به اندازه یک ساعت

بهره‌وری باشد اما انتظار داشته باشیم هر دو اقتصاد به یک اندازه خروجی داشته باشیم. به همین شکل نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که نرخ تورم و بهره بانکی در یک اقتصاد کمتر از ده درصد باشد اما در کشور دیگری هفت برابر این رقم باشد و انتظار داشته باشیم که قیمت تولید در هر دو کشور یکسان باشد.

به همین دلیل امروز ضرورت این بررسی وجود دارد که چرا در ایران برنامه‌های میان مدت و بلندمدت اجرایی نمی‌شود؟ در پاسخ به این سوال باید ساختارهای داخلی کشور را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. برخی از این مشکلات ساختاری است که در نهادها و سازمان‌های مختلف دولتی وجود دارد. این مشکلات ساختاری سال‌ها با ما بوده اما کمتر دولتی به صورت جدی تلاش کرده این چالش را مرتفع کند. بخش دیگری از دلایل عدم اجرای برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت سوء تدبیرهایی بوده که در مدیریت صورت گرفته است. بخشی نیز به تداخل دستگاه‌های مختلف در زمینه اجرایی ارتباط دارد. مجموعه این عوامل باعث شده که ما در اجرای برنامه‌ها موفق عمل نکنیم. ما هنوز نتوانسته‌ایم از سرمایه‌های خارجی در اقتصاد کشور استفاده کنیم. امروز کشور ترکیه در حدود ۵۰ میلیارد دلار در اقتصاد کشور استفاده کرد. شاید برخی فکر کنند این رقم بالایی است و اقتصاد ما با چنین بدهی خارجی مواجه نیست و اگر بدهی دارد ناچیز است. این در حالی است که اگر ما بتوانیم از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی استفاده کنیم می‌توانیم در ساختارها را متحول کنیم. ممکن است برخی عنوان کنند که ما همین سرمایه را در قبال صادرات نفت در گذشته داشته‌ایم اما نتوانسته‌ایم از این سرمایه استفاده کنیم. در بین سال‌های ۸۴ تا ۹۴ درآمد‌های میلیارد دلاری ناشی از فروش نفت در کشور وجود داشت که به اقتصاد ما کمک نکرد.

برجام در کوتاه مدت باعث خواهد شد هزینه کالاهای وارداتی ما کاهش پیدا کند. حتی این احتمال نیز وجود دارد که احیای برجام تأثیر مثبت روی کاهش نرخ تورم در کوتاه مدت نیز داشته باشد. برجام می‌تواند مانند یک نسیم خنک برای اقتصاد ایران باشد اما این وضعیت کوتاه مدت خواهد بود و در بلندمدت نمی‌تواند چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران را مرتفع کند. شرط اینکه این فرصت کوتاه بتواند پیامدهای بلندمدت برای اقتصاد ایران داشته باشد این است که باید تصمیمات سخت در زمینه اصلاحات ساختاری گرفته شود. تا زمانی که اصلاحات ساختاری صورت نگیرد هر نوع گشایش بین‌المللی برای ما موقت خواهد بود. نمونه‌های بارز آن در بخش خودرو، فولاد و صنعتی قابل مشاهده است. حتی این مسائل در تولید آب و برق نیز موثر خواهد بود. هزینه تمام شده تولید کالا و خدمات در ایران گران است. این گران بودن نیز به دو دلیل است. نخست پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران است و دوم سیاست‌های نادرست پولی و مالی است. در کشورهای توسعه یافته واحدهای تولیدی با ظرفیت‌های محدودتر چندین برابر واحدهای ما تولید می‌کنند. دلیل این موضوع این است که بهره‌وری در این گونه کشورها بیشتر است و از سوی دیگر سیاست‌های پولی و مالی را به صورت صحیح اجرا می‌کنند. نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که میزان بهره‌وری هشت ساعت کار در یک اقتصاد به اندازه یک ساعت

بهره‌وری باشد اما انتظار داشته باشیم هر دو اقتصاد به یک اندازه خروجی داشته باشیم. به همین شکل نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که نرخ تورم و بهره بانکی در یک اقتصاد کمتر از ده درصد باشد اما در کشور دیگری هفت برابر این رقم باشد و انتظار داشته باشیم که قیمت تولید در هر دو کشور یکسان باشد.

نوع گشایش بین‌المللی برای ما موقت خواهد بود. نمونه‌های بارز آن در بخش خودرو، فولاد و صنعتی قابل مشاهده است. حتی این مسائل در تولید آب و برق نیز موثر خواهد بود. هزینه تمام شده تولید کالا و خدمات در ایران گران است. این گران بودن نیز به دو دلیل است. نخست پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران است و دوم سیاست‌های نادرست پولی و مالی است. در کشورهای توسعه یافته واحدهای تولیدی با ظرفیت‌های محدودتر چندین برابر واحدهای ما تولید می‌کنند. دلیل این موضوع این است که بهره‌وری در این گونه کشورها بیشتر است و از سوی دیگر سیاست‌های پولی و مالی را به صورت صحیح اجرا می‌کنند. نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که میزان بهره‌وری هشت ساعت کار در یک اقتصاد به اندازه یک ساعت

بهره‌وری باشد اما انتظار داشته باشیم که قیمت تولید در هر دو کشور یکسان باشد.

نگره

گیر امضای برجام کجاست؟

مذاکرات هسته‌ای

همچنان ادامه خواهد یافت؟

چهارشنبه شب بالاخره پاسخ ایالات متحده به ایران ارائه شد؛ پاسخی که بعد از ده روز بررسی جامع پاسخ ایران به هماهنگ‌کننده اروپایی داده شد. رویداد ۲۴ نوشت؛ مطابق اظهارات محمد مرندی، مشاور رسانه‌ای تیم مذاکرات هسته‌ای ایران، پاسخ ایالات متحده به پیشنهادهای ایران نه یک «بله یا نه قاطع» بلکه پاسخ مفصلی به پیشنهادهای ایران بود. از این رو جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد با بررسی همه جانبه پاسخ آمریکایی‌ها پاسخ خود را در قالب پیشنهادهای جدید به طرف ارائه کند.

آخرین وضعیت مذاکرات هسته‌ای

تاکنون به نظر می‌رسید که با وجود پاسخ مثبت آمریکا به برخی شروط و خواسته‌های ایران مخصوصاً حوزه تحریم‌ها، در سه محور اصلی مطالبات ایران پاسخ منفی یا حداقل غیر مثبت داده شده است. در این مورد ظاهراً با وجود قول دولت جو بایدن برای تصویب توافق در نهاد قانونگذاری آمریکا به منظور تضمین برجام، ارائه تضمین معتبر به منظور جلوگیری از خروج دولت بعدی آمریکا از توافق دور از دسترس است. همچنین به نظر می‌رسد که تضمین پرداخت غرامت یا حداقل معافیت‌های ۲ سال و نیمه در خواستی جمهوری اسلامی ایران از تحریم‌های ناشی از خروج احتمالی دولت بعدی آمریکا از توافق نیز فاقد ضمانت اجرایی معتبر خواهد بود. این در حالی است که آمریکایی‌ها اساساً با دخالت سیاسی به منظور پایان بخشیدن پرونده ایران در جلسه آینده شورای حکام که بیست و هفتم سپتامبر برگزار خواهد شد نیز مخالفت کرده‌اند. از سوی دیگر آمریکایی‌ها با درخواست ایران به منظور آزاد شدن معاملات با دلار و بازگشت به سیستم سوئیفت را نیز منوط به تصویب و اجرای قوانین FATF و نیز پاسخ به سوالات این نهاد کرده‌اند. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که مذاکرات وین نه مذاکراتی به منظور رسیدن به یک توافق هسته‌ای جدید بلکه مذاکراتی به منظور رسیدن به توافقی در جهت بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ (احیای برجام) است. قاعدتاً در چنین وضعیتی نباید انتظار مولفه‌های جدیدی در توافق هسته‌ای باشیم و این مساله مخصوصاً از این نظر برای جمهوری اسلامی ایران مهم است که عمر بسیاری از محدودیت‌های هسته‌ای ایران از جمله محدودیت‌های تحقیق و توسعه و نیز به کارگیری نسل‌های جدید ماشین‌های جداسازی و سانتریفیوژ طبق توافق قبلی یا به پایان رسیده یا به زودی به پایان خواهد رسید. این در حالی است که هم دولت ترامپ و هم دولت بایدن بر ضرورت طولانی کردن این مدت زمان تأکید زیادی داشته‌اند. در حالی که طبق مذاکرات جاری جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های جهانی صرفاً برای بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ در حال مذاکره هستند.

شرایط منطقه در بحبوحه مذاکرات

به نظر می‌رسد تا زمانی که مباحث منطقه‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و ایسکوا و از سوی دیگر متحدان منطقه‌ای ایالات متحده در جریان هست هر گونه توافقی شکننده و غیر قابل اعتماد خواهد بود. این در حالی است که جیک سالیوان مشاور امنیت ملی بایدن و ند پرایس مسئول هماهنگی ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی آمریکا با اشاره به حملات آمریکا به مخور مقاومت در سوریه، پاسخ نظامی آمریکا به این حملات را تهدید دولت بایدن به حمایت از جان نیروهای نظامی و نیز امنیت متحدان منطقه‌ای آمریکا قلمداد کرده است؛ نشانه‌ای که برخی از رسانه‌های آمریکایی آن را تلاش دولت بایدن به منظور فروختن توافق احتمالی با ایران به یک نگره مردم و حفظ اعتبار بازدارندگی آمریکا علیه فعالیت‌های منطقه‌ای ایران قلمداد کرده‌اند. در همین حال عربستان سعودی نیز در پاسخ به پیشرفت مذاکرات ایران و قدرت‌های جهانی، اعلام کرده است در صورت ادامه کاهشی روند قیمت نفت و رهبری مجموعه اقدامات کشورهای عضو اوپک پلاس را به منظور کاهش تولید به عهده خواهد گرفت.

گیر مذاکرات احیای برجام کجاست؟ شاید دلیل نباشد که نه جمهوری اسلامی ایران و نه ایالات متحده آمریکا عجله‌ای برای دستیابی به توافقی جهت بازگشت به برجام ندارند. چرا که حجم معادلات حاشیه‌ای این توافق حتی از خود توافق احتمالی نیز پررنگ‌تر است و هر گونه شکست مذاکرات با حصول توافق می‌تواند به واسطه متغیرهای گوناگون بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای و معادلات آن تأثیر شدیدی داشته باشد. اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده مذاکرات ظاهراً در هر حله فعلی انگیزه مضاعفی برای موفقیت مذاکرات دارد. این مساله مخصوصاً با توجه به زمستان پیش روی اتحادیه اروپا با توجه به قیمت‌های بالای انرژی که در نتیجه تحریم‌های روسیه رخ داده، قابل توجه است. به عبارت دیگر با وجود قول‌های مساعد ایالات متحده به منظور تأمین انرژی مورد نیاز اتحادیه اروپا، آنها باز هم در تلاش به منظور متنوع‌سازی منابع انرژی خود هستند. این تلاش مخصوصاً با امضای سند مشارکت راهبردی میان اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس اهمیت بیشتری می‌یابد.